

«از مردم ایران می‌خواهیم در انتخابات ریاست جمهوری مشارکت نکنند»



۱- در روزهای اخیر به مناسبت رسیدن موسم انتخابات ریاست جمهوری، شش نفری که توانسته‌اند از شورای نگهبان جواز حضور در این رقابت‌ها را بگیرند، مقابل هم در دو دسته سه نفری صف‌آرایی کردند. آنچه این شش نامزد به زبان آوردند و علیه هم افشاگری کردند نشان دادن وجهی از فساد بود که دیگر نمی‌شود آن را پنهان داشت و تشت رسوایی نظامی بود که ادعای تأسیس جمهوری فضیلت و دین را داشت و این‌گونه پرده از فساد سیستم و کارگزاران آن از زبان برکشیدگان خود نظام به صورت رسمی کنار زده شد. چه استدلالی، چه منطقی، چه دلالتی محکم‌تر از این سخنان و گفته‌های خود نامزدها برای نشان دادن درستی موضع تحریم و عدم شرکت در این قبیل انتخابات؛ چه آیتی بیشتر از این می‌تواند بیراهه بودن مشارکت را نشان دهد؟ این است فرجام مشارکت در بازی صنعتگران بازی بد و بدتر که امید آغاز و غم فرجام است و این امکان را فراهم آورده که چرخه بر مدار تباهی بچرخد و همواره امکانی و توجیهی در برگزیدن یک بد در برابر بدتر فراهم باشد! مگر می‌شود در کشوری که اصلاحات برای گریز از نابودی به حد ضرورت رسیده است آن عمل خطیر را به بازی بد و بدتر تقلیل داد؟ مگر می‌شود در جایی که عمل و اراده ملی برای چیره شدن بر خطرات ضرورت دارد در وادی رتوریک و خطابه به بازی این بد و آن بدتر مشغول بود؟ آنچه صنعتگران صنعت انتخابات در برابر دوربین‌ها به صحنه آوردند آخرین ایستگاهی بود که وسوسه‌های جمهوریت فرانسوی مآب به آن رسید و پیاده خواهد شد. فصل درهم شکستن صورت چیزی است که به نهایت ابتدال رسیده اما می‌دانیم که معلول از جنس علت است و نمی‌شود بدون پرسیدن از علت چنین تباهی و اصلاح ریشه‌های آن به تغییرات امیدوار بود.

۲- آنچه نامزدها علیه هم گفتند یا درست بود یا نادرست. اگر درست باشد ریس جمهوری و تأیید شده شورای نگهبان این حد از فساد را دارد که شنیدیم و بسیاری را نیز به لحاظ ضیق وقت نشنیدیم و اگر درست نبود تأیید شده شورای نگهبان این حد از دروغ‌گویی و قدرت‌طلبی و رذیلت را دارد و این هر دو حالت چیزی نیست جز اعلام بی‌اعتباری همه ادله‌های نظام در ضرورت وجود شورای نگهبانی که در این چند دهه چرخاننده بازی بد و بدتر بوده و اجازه خروج از تباهی را نداده است و همواره مدعی بوده وجودش برای پالودن و محافظت نظام از افراد بی‌فضیلت ضرورت دارد. همواره به بهانه تشخیص افرادی واجد صلاحیت دست به کار شده و این است کارنامه وجود چنین نهادی با چنین معیارها و عملکردی! این نهاد که وجودش در مخالفت آشکار با

تاریخ قانون‌خواهی و کوشش‌های آزادی‌خواهانه ما بوده است و فلسفه ناگفته‌اش رد رشد آحاد یک ملت، اکنون در برابر کارنامه خود ایستاده و باید از نسبتش با این کارنامه پرسید و البته مشغول بازی بد و بدتر بودن برای طرح این پرسش‌ها که در عین حال عمل سیاسی است مجال نمی‌دهد.

۳- مردم عزیز ایران، عده‌ای در این سال‌ها از آنجا که هنری در مملکت داری نداشته‌اند کوشیده‌اند از ترس‌های شما تجارت کنند، آنها کاسبان ترس هستند؛ در چهار سال پیش با ترساندن عده‌ای از جنگ به قدرت رسیدند و اکنون همان شیوه را دنبال می‌کنند. اگر هنری داشتند بعد از چهار سال باید کارنامه خود را روی میز می‌گذاشتند نه شیوه سابق تجارت با ترس را. با رأی هیجانی به این و آن دادن و امید واهی بستن به ساحل صلح نمی‌شود رسید. هر صلحی به قدرتی تکیه دارد و آنها با فروختن قدرت و توان ملی می‌خواهند صلحی به ارمغان بیاورند؛ با این تاجران چیزی در ایران که برای ما صلح به ارمغان بیاورد باقی نخواهد ماند. اندیشیدن به صلح از راه اندیشیدن به قدرت ممکن است.

در این رقابت‌ها در یک سمت دولت وادادگی قرار دارد، در سابقه فکری آنها یک وطن موهوم جهانی خوابیده است. آنها همواره توان و امکانات ایران را برای چنین وطنی استخراج کرده و بکار برده‌اند؛ هویت آنها در چنین نسبت و وابستگی است. چون وطن ندارند گذشته ملی ندارند و به این اعتبار به آینده نیز ملی نمی‌اندیشند؛ بنابراین می‌توانند منابع قدرت را مشت مشت بیرون بریزند و یا با تبری به هر کجا از پایه وحدت تاریخی و سیاسی ایران ضربه‌ای وارد کنند.

در سوی دیگر کسانی هستند که سودای دولت مقاومت دارند. اما از آنجایی که در ایران و در شرایط فعلی جهان هر مقاومتی باید مقاومت ملی باشد و این مقاومت صرفاً با داشتن آگاهی ملی ممکن است و نه با گسستن از تاریخ ملی به این دلیل نمی‌توانند مقاومتی برای ملت طراحی کنند و از این جهت منافع کلان ملی و از جمله نفوذ ژئوپلیتیکی و منطقه‌ای ضروری ما را به قربانگاہی می‌برند که توان هسته‌ای را بردند یعنی مسیری که دقیقاً ایستگاه آخر آن تسلیم است و از دست دادن مؤلفه‌های قدرت. همانگونه که صلح و بهبود وضعیت ما از راه دولت وادادگی نمی‌گذرد با دولت مقاومت در شعار هم نمی‌شود کاری کرد و سرانجام هر دو دولت به یکجا ختم می‌شود. تا زمانی که برای این مقاومت شالوده‌ای درست پی افکنده نشود نمی‌شود به شعارها و نیت‌ها دلخوش بود.

۴- از آنجایی که راه و بیراهه یکی نیست، روند فعلی را بیراهه‌ای می‌دانیم که در آن نمی‌شود گام نهاد، مطابق با این فهم در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نخواهیم کرد و از مردم می‌خواهیم آنها نیز عدم شرکت در انتخابات را انتخاب کنند.

حزب پان ایرانیست

۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ خورشیدی

تهران